

جناب آقای محمود خیامی

رئیس هیئت مدیره کارخانجات صنعتی ایران ناسیونال
قرار داد افتخار آمیز کارخانجات معظم ایران ناسیونال
با کارخانجات پژو فرانسه قدمی بزرگ است در راه نیل به
تمدن بزرگ و صنعتی شدن کشور و نیات بزرگ شاهنشاه
آریامهر ، با کمال مسرت این افتخار بزرگ را به جنابعالی
و کلیه هموطنان عزیز تبریک و تهنیت میگویم .
تعمیر گاه مجاز شماره ۶۰ پیکان - مرکز صافکاری و
رنک پیکان جواد بهارمست

وحدت کلمه

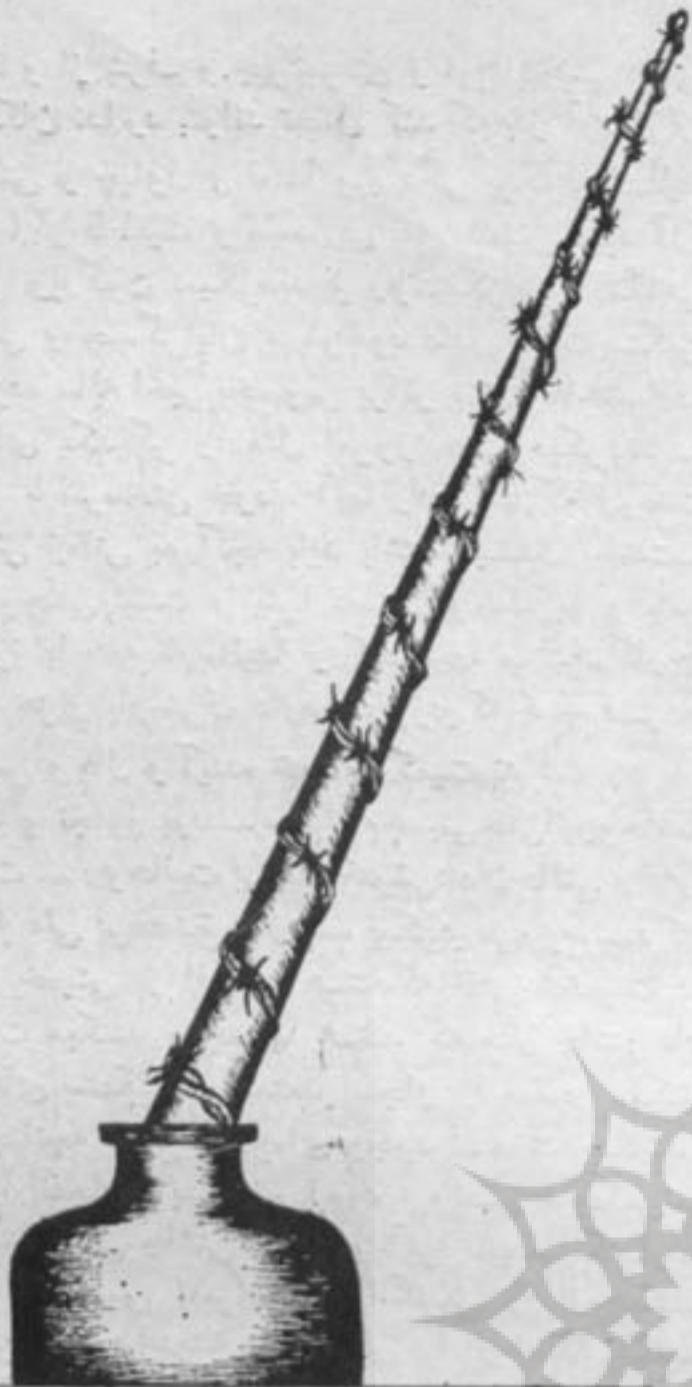
بزرگترین رمز پیروزی ایران

شما مالکین عزیز هم اگر در پائین آوردن اجاره بها
آپارتمان ، ویلا و محل کار خود تجدید نظر کنید نه تنها
وحدت کلمه خود را با سایر هم میهنان اعلام داشته بلکه کمک
بزرگی به انقلاب کرده اید شاهین مسکن بزرگترین مرکز
اجاره خرید و فروش شما را در این امر خیر همراهی خواهد
کرد .

۲۲۲۹۰۶ و ۲۲۰۶۶۳ و ۲۲۸۴۱۳

روزنامه کیهان دوشنبه ۷ خرداد ۵۸

شماره ۱۰۷۱۸



دکتر مهدی پرهام

معماران کاخ ضد انقلاب

ایران بگردش در نیاید و برای رود که ضد انقلاب برانقلاب
چیره گردد - يك قلم بمزد ، يك وطن فروش ، يك ضدانسان
باید کاری کند که خون هزاران شهید گلگون کفن بهدر
رود و بجای بانگ روح پرور الله اکبر ، باز نغمه جان فرسای جاوید
شاه در گوشها طنین افکند - آن روز مباد که باز زندان
اوین مرمت گردد و شکنجه گران بکار جهنمی خود باز
گردند و شکارچیان انسانها در خیابانها سازنده ترین
جوانان جامعه را بنام خرابکار یا گلوله از پای در آورند و یا
چنان در محاصره گیرند که آنها مجبور شوند با کپسول
سیانور خود کشی کنند - کدام ناجوانمرد سفله طبع است
که بخواهد به دورانی باز گردد که هر جا رود حتی در خانه
خود احساس نا ایمی کند و نگران باشد که دو چشم نامرئی
او را مینگرد و در هر محفل و مجلسی ورود نماید یقین
کند دو ثلث جمعیت مزدوران سازمان امنیت هستند یا
حاضرند برای خوش خدمتی و رهانیدن خود از حادثات
بی اجر و مزد جاسوسی و خدمتگراری کنند - واقعا برای
هر کس که دنیای او به شکمش و شهوتش و خود پرستیش

دوقتی استخوانبندی جامعه یعنی مجموعه نهادها و بنیادهای
های آن تغییر نکرد از اصطلاح «تمدن بزرگ» و «وحدت کلمه»
یکسان بهره وری میشود قانون اساسی را چه مجلس موسسان
و چه شورای نخبگان تصویب نماید هیچ تفاوتی نمیکند،
وقتی نهادها و بنیادهای جامعه همانهایی باشند که قبلا بوده اند،
این قانون اساسی هم مثل قانون اساسی سابق دفن خواهد
شد - قانون ملی کردن بانکها اولین حرکت انقلابی دولت
است که نهادها و بنیادهای اقتصادی جامعه را دگرگون خواهد
نمود و بدنبال آن سایر نهادها و بنیادها نیز تغییر خواهد
کرد ، بشرطی که ملی کردن قسمتی از صنایع و شرکتهای
بیمه و زمینهای کشاورزی را هم بدنبال داشته باشد - پس از
اینکه نهادها و بنیادهای تازه بوجود آمد و افراد تازه صاحب
حق شدند ، آنوقت همین افراد قانون اساسی مناسب حال خود
را تدوین خواهند نمود - چنین قانونی ماندنی و عمل
کردنی خواهد بود و حقوق حقه افراد را تضمین خواهد
کرد ..

- شکسته شود قلم و قدمی که در راه انقلاب راستین

محدود نمیشود و از شرف و جوانمردی و نوع دوستی بوئی برده باشد، امکان ندارد بتواند تحمل کند که باز آن دوران جعل و چاپلوسی و چپاول و فحشا و بردگی برگردد. باید انصاف داد که اگر قاطعیت و پاسداری امام خمینی نبود آن اوضاع جهنمی و ازگون نمیگردید و روشنفکران دانشگاهی و غیر دانشگاهی و چپ‌گرایان، باوجود دادن تلفات سنگین در دوران پانزده ساله اخیر بخصوص بر اثر تشنه و اختلاف عقیده، قدرتهای یکدیگر را مثل امروز خنثی میکردند. امام بود، که با سرسختی خود، آنها را در يك کانال ریخت و در يك برش زمانی به آنچه باید باشند مبدل ساخت. این خدمت کوچکی نیست، اینرا دست کم نگیریم و پاس داریم. امروز با همه نارسائیهها و کج رویها و ندانم کاریها و محدودیتها، هزار بار شرف دارد بر روزی که هیچ فردی بر جان و ناموس و مال و آینده خود حاکمیت نداشت و در معرض هتک و تجاوز بود. سهم امام خمینی حتی از روحانیت هم بکلی سواست. روحانیت بی امام خمینی همان حالتی را دارد که امروز جبهه ملی بی مصدق دارد. پیکری بی روح. دکتر مصدق و امام خمینی از افرادی هستند که نقش شخصیت در تاریخ را اثبات میکنند و همینها هستند که مثل چاشنی‌های آتش‌زا توده‌های ستمکش و مستعد انفجار را منفجر میکنند. بدیهی است چنانچه ماده منفجره‌ای وجود نداشته باشد، چاشنی آتش‌زا انفجاری پدید نمی‌آورد، ولسی هیچکس نمی‌تواند منکر آتش‌زائی چاشنی گردد و آنرا ندیده انگارد. دکتر مصدق اختاپوس امپراطوری انگلیس را از پیکر ایران ریشه کن کرد و اندیشه هر ایرانی را از اینکه انگلیس منشاء و گرداننده هر فتنه و دسیسه‌ای در دنیا است پاک نمود و نقش خان صاحب بالیوز و قنصل انگلیس را که هم‌مطراز پیامبران و امامان بودند از سرنوشت ایرانی محو کرد. نسل جوان امروز که فقط بیست و پنج سال از عمرش گذشته معنی این واژه‌ها و اثر مخرب روانی آنها را نمیداند. بی خبر است که وقتی قنصل انگلیس در جنوب بشکار میرفت روز بعد دو تیره بزرگ ایل بجان هم می‌افتادند یا قریب و آبادی فلان اعیان گردن کلفت که خلاف مصالح انگلیس قدم برداشته بود تاراج و ایلغار میشد. این چنین اختاپوسی را از پیکر ملتی برداشتن کار آسانی نیست. مصدق قهرمان این ریشه کنی بود و در تاریخ ایران بنام يك قهرمان تا ایران ایرانت باقی خواهد ماند. همچنانکه تاریخ ایران امام خمینی را برای همیشه بنام قهرمانی که تمام طبقات مردم کشوری را علیه رژیم دیکتاتوری پهلوی شوراند و جمهوریت را بجای رژیم سلطنتی دوهزار و پانصد ساله مستقر نمود در خسود ثبت خواهد کرد. جای تاسف است که با اغواگری امپریالیسم داریم این دو شخصیت را مقابل هم میگذاریم و بی تناسب مقایسه و نتیجه گیری میکنیم و اصرار داریم یکی را بر دیگری ترجیح دهیم و حال آنکه هر دو قهرمانند. مجاهده دکتر مصدق انجام يك «رفرم» بود و میخواست آنچه در قانون اساسی از مسیر عادی خارج شده بمسیر خود باز گردد، شاه سلطنت کند نه حکومت و نفت مانند تمام منابع زیر زمینی که بملت تعلق دارد بملت باز گردد و شرف و استقلال ایرانی به او برگردانده شود. اما خواست امام خمینی برپائی يك «انقلاب» بوده و هست. رژیم سلطنتی و ازگون شود و رژیم جمهوری بجایش مستقر گردد. قسمتی از این خواست با عزیمت شاه و تسنیم ارتش

و سقوط دولت دکتر بختیار و برگزیدن مهندس بازرگان به نخست وزیری و مراجعه به آراء عمومی برای استقرار جمهوری اسلامی بواقع گرائید، ولی انقلاب بشمر نرسیده و اکنون در حال شدن است و چون استخوان بندی سیستم سابق هنوز پابرجاست هر قانونی وضع گردد خود را در قالب آن استخوان بندی می‌کشد مگر اینکه استخوان بندی در هم کوبیده شود و استخوان بندی جدیدی برپا گردد. محتوای اصلی جمهوری اسلامی يك جامعه بی طبقه است و برای تحقق یافتن آن میباید از تراکم ثروت جلوگیری گردد و برای این جلوگیری باید خمس و زکاة (یا مالیاتی که کار این دورا انجام دهد) اخذ شود و ربا حذف گردد و مالکیت تعدیل و منحصر بجیزی شود که ثمره کار و کوشش است. این کارها هنوز انجام نشده و تازه دولت بانکها را ملی کرده است. این کار مهمی است و در واقع نخستین قدمی است در راه تحقق بخشیدن جامعه بی طبقه در جمهوری اسلامی بشرطی که متعاقب آن بعضی صنایع و شرکتهای بیمه و زمین های بزرگ کشاورزی نیز ملی گردند و الا ملی کردن بانکها بتنهائی کار بیهوده است. به اجمال عرض کنم تا استخوان بندی اقتصاد مملکت تغییر نکند و اقتصاد چپاول به اقتصاد معقول مبدل نگردد و مهره‌های وابسته غرب (کمپرادورها) از سنگرهای خود کنده نشوند هر قانونی وضع گردد به نفع این مهره‌های وابسته باجرا تر خواهد آمد. اصولاً قوانین هر قدر خوب و دموکراتیک تدوین شوند نمیتوانند جامعه را دگرگون و اصلاح نمایند، جامعه را نهضت و انقلابها دگرگون میسازد و پس از این دگرگونی و ایجاد استخوان بندی جدید (نهادهای و بنیادها) قوانین خود را در قالب آن جای میدهند. فی‌المثل ملی کردن بانکها به سرمایه گذاران سرمایه ارزان یعنی پول بی بهره خواهد داد و بالتبع نتیجه تولید برای کارفرما ارزان تمام خواهد شد و قیمتها کاهش خواهد یافت و این عمل بر سایر شئون اقتصادی سرعت اثر خواهد گذاشت، البته هم‌زمان باملی کردن بانکها و سایر شئون اقتصادی نهادها و بنیادهای تازه قوانین جدیدی وضع خواهد کرد تا انگیزه ابداع خمس و زکاة در قالب قوانین مالیاتی درین عصر بواقع گراید و سپس مالکیتها را که ثمره کار مشروع نبوده در لوای این ملی شدن تعدیل میگردد و بالاخره منظور نهائی آئین مقدس اسلام که جامعه بی طبقه است تحقق مییابد. در این جامعه بی طبقه (یعنی طبقاتی که از عدم تعادل ثروت و توزیع غلط درآمدها بوجود می‌آیند نه قشرهای مختلف اجتماع) که استخوان بندی اقتصادی و اجتماعی آن عوض شده افراد دیگری بجای افراد سابق فعالیت مشروع می‌کنند و اینها هستند که قوانین جدید برای حفظ جامعه خود وضع خواهند نمود و از آن دفاع خواهند کرد. قانون اساسی که امروز تدوین شده و اختلاف نظری در تصویب آن توسط مجلس موسسان یا مجلس نخبگان بین دولت و قشر های روشنفکر پیش آورده در حقیقت قانونی نیست که افراد صاحب صلاحیت آنرا تدوین کرده باشند، چون این افراد هنوز فعالیت مشروع خود را در چهار چوب اقتصاد معقول اسلامی شروع نکرده‌اند. ممکن است آنرا در آینده بپذیرند یا بکلی رد کنند و خودشان قانون جدیدی وضع نمایند. پس این گفتگو وجدال که قانون اساسی را باید مجلس موسسان تصویب کند نه مجلس نخبگان جدالی بیهوده

است . دولت اگر از افراد آگاه تشکیل شده بود امروز تمام همش را مصروف برین میداشت که قانون ملی کردن بانکها را بسایر شئون اقتصادی تسری دهد تا هر چه زودتر استخوان بندی اقتصاد چپاول و یغما را در هم بکوبد و نهادها و بنیادهای جدیدی بوجود آورد و یک برنامه اقتصادی دراز مدت تدوین کند و قویا بکار تصفیه کمیته‌ها دست زند و پلیس و ارتش را زنده کند و با قدرت آنها را بکار گیرد و به انقلاب رسمیت دهد و سرانجام در محیطی آزاد و در جامعه‌ای با تشکیلات اقتصادی و اجتماعی نو و افرادی که بحق خود رسیده‌اند انتخابات مجلس شورا یا موسسان را آغاز نماید - انسان مبهوت میشود که چطور روشنفکران در نمی‌یابند که با این کمیته‌های خودسر و مملو از افراد فاسد و سوااکی و نبودن یک مرجع قضائی قدرتمند و تشکیلات پلیسی که امنیت شهر را حفظ کند و آرتشی که از مرزها حراست نماید انتخابات آزاد بچه شکل امکان دارد صورت بگیرد !! امروز وقت این جدل و مناقشات نیست - ما تازه از مقدمه انقلاب که طرد خاندان پهلوی و بکیفر رساندن خائنین وابسته آنها باشد فراغت جسته‌ایم و به متن انقلاب یعنی مبارزه با امپریالیزم وارد شده‌ایم - حریف کار کشته ، صاحب علم شیطانی ، مبارزه گر قوی (ابر قدرت) و فتنه انگیز است . از هر ناراضی یک بت میسازد و او را علیه دستگاه تولد و روحانیت مجهز میکند ، مرتب حادثه آفرینی مینماید ، از عدم صلاحیت دادگاه حمایت خانوادگی آغاز کرد و بدنبال آن پوشش بانوان ، مساله گوشت یخزده ، جمهوری اسلامی ، مسائل کردستان و گنبد و خوزستان و اکنون تصویب قانون اساسی که از طریق مجلس موسسان انجام شود یا مجلس نخبگان و بالاخره طرح قانون مطبوعات هم ساخته و پرداخته طاغوت بزرگ ، امپریالیزم مجروح جهانی است . عوامل و ایادی او اکنون در کمیته‌ها و دادگاههای انقلاب قیامت میکنند ، «گروه فشار» همان کاری را میکند که قبلا ساواک میکرد - متأسفانه ما با اینکه پوست خربزه را می‌بینیم گاهی برای قدرت آزمائی روی آن پا میگذاریم - بدون اینکه توجه کنیم در چه موقعیتی هستیم به ناراضی تراشی دامنه‌داری دست زده‌ایم - تصفیه دانشگاه ها بطریق ظالمانه‌ای صورت میگیرد و بدون اینکه توجه داشته باشیم که کادر علمی و محدودی داریم آنها را محدودتر میکنیم ، نخبه‌ها را کنار گذاشته‌ایم و متوسط ها را برگزیده‌ایم گناه نخبگان بیشتر شرکت در موسسات و محافل علمی وابسته به دربار است که برهیچکس پوشیده نیست برای تظاهر به هنر پروری و دانش پژوهی این محافل را تشکیل میدادند و افراد را با دعوت و عده‌ای را حتی با تهدید قطع نان به آنجاها می‌کشاندند و حالا بدون اینکه به آن سیستم جهنمی بیاندیشیم و به انسان جائز الخطا فکر کنیم همه را میخوانیم در معیارهای علی ابن ابیطالب (ع) و امام جعفر صادق (ع) اندازه گیری کنیم و حتی حقوق حقه بازنشستگی آنها را هم قطع مینمائیم و فکر نمیکنیم زن و فرزند این بدبختیها چه تقصیری دارند - دکتر فریدون علا جز خدمت بمردم در مدت تصدی شغلهايش کار دیگری نکرده و از هر کس سؤال اکتفا او را نمونه شرف و بزرگواری میداند ، دکتر نادر افشار نادری ، پژوهشگری ارزنده و نمونه مردمی و انسانیت است و از فرط تاثر و اندوه که او را اینچنین آلوده و متهم کرده‌اند هفته قبل انفارکتیس کرد و

وقتی طبیب برای روشن شدن علت مرض حوادث هفته‌های اخیر زندگی او را سؤال کرده جواب داده بود مرجعی پیدا نکردم که دردم را با آن درمیان گذارم یا از آن دادخواهی کنم - این چه ظلمی است که بر این دانشمندان بشر دوست روا میدارید ، چرا سنگها را بسته‌اید و سنگهارا اینچنین بیرحمانه گشاده‌اید ؟ این معنی عدل اسلامی است ؟ این همان عدالتی است که امیر مومنان امام علی مجری آن بود ؟ امروز نه فقط در دانشگاه‌ها بلکه در تمام وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی افراد خیلی پائین تر از متوسط ممددر کارند ، چون موی زرخندان را رها نموده‌اند و دوسه آیه از قرآن کریم و چند حدیث نبوی حفظ کرده‌اند . - اغلب جوانان تحصیل کرده که شاید بیشتر عمر خود را در دانشگاه‌های معتبر دنیا گذرانده‌اند و در آنجا موقعیتی برایشان فراهم نبوده تا فرائض دینی را فرا گیرند و تعقیبات نماز را بیاموزند از کارها برکنارند و مدیریت از آنها گرفته شده - زبان فارسی به وضع غم‌انگیزی افتاده و گویندگان رادیو تلویزیون و سخنرانان بی‌مایه احادیث و آیاتی به غلط و نابجا میخوانند و خیال میکنند تمام مردم زبان عربی می - دانند و حرف آنها را میفهمند ! حکیم ابوالقاسم فردوسی را باید شیخ ابوالقاسم گفت تا بشود نام او را بر زبان آورد ، خیال میکنم تا چند وقت دیگر نشود حتی از حافظ به عنوان شاهد مثال بیتی و غزلی خواند ، چون در اشعار او کلمات می و معشوق موج میزند و خواندن قرآن با چهارده روایت هنر بخش سازی برایش محسوب نمیشود - دکتر مصدق را واعظی شحنه شناس به لجن می‌کشند و از دشمنانترین متفکران دانشگاهی را کج طبعان بدانند در کمال بی‌انصافی سرعت طرد و نفی میکنند - کمیته‌ها مرکز فساد انگیزترین معاملات قاچاق است - میدان داران که اغلب از شرکای دست اول شاپورها و شاهدختهای باغدار بودند امسال زرخ میوه را صد درصد بالا بردند و آنچه در گذشته بزور از آنها گرفته میشد چند برابرش را همین امسال بجیب زدند ، آنچه امام نصیحت فرمود و زنهار داد اینان به ثقل سامعه مبتلا بودند و نمیشنیدند - واردات میوه از خارج وحشتناک است موز و پرتقال و سیب فرانسوی پچای خود ، ولی انگور آفریقائی در فصل انگور چیز عجیبی است در زمان طاغوت هم سابقه نداشت ، از باغدار بدبخت کیلوئی پنج ریال میوه اش خریده شود ولی کیلوئی بیست تومان به خریدار فروخته میشود - اینها همه معماران کاخ ضد انقلابند و اگر درباره آنها چاره‌اندیشی نشود در اولین فرصت علنا تسلیم امپریالیزم میگردند و منویات او را اجرا میکنند حال آنکه خفا و پنهانی از امام در ارتباطند ولی همینکه منافع آنها در خطر افتاد در کمال بی‌شرمی خنجر از پشت میزنند و یکسر در آغوش امپریالیزم می‌افتند من تعجب میکنم وقتی دولت بانکها را ملی میکند چطور نمیتواند دو موسسه بزرگ مطبوعاتی ، کیهان و اطلاعات را ملی نماید و یک تاجر بازار که اصلا در خط مطبوعات نبوده برای تطهیر سرمایه خود دست بخرد موسسه کیهان زند و با نشستن در سنگر مصونیت روحانیت شروع به انحصار در آوردن مطبوعات به زور پول و سپس اعمال قدرت از این طریق نماید و در پناه این حصن حصین به یغماگری ادامه دهد و در فرصت مناسب مقدم امپریالیزم را گرامی دارد و انقلاب را در پای او

معماران کاخ ضد انقلاب (بقیہ)



قربانی کند ، باید خاطر خطیر امام را استحضار دهم کہ سرمایہ دارنہ وطن دارد ونہ دین - پول دین ومیہن اوست درہر مسلک کہ در آن بہتر بتواند یغماگری کند منسلک میشودو متوطن میگردد - اینہا ہیچکدام در خدمت امام نیستند ، بہر دیار کہ در آن سرمایہ اش بیشتر سود دہد سفر میکندو زبانہاں حمد و ثنای امام میگوید ولی دلہاں درانتظارمقدم امپریالیزم می طپد و چشمہاں براہ طاغوت دوختہ شدہ است بہ دو آگہی اول مقالہ بنگرید ملاحظہ خواہید فرمود کہ سرمایہ اندوز از وحدت کلمہ امام و تمدن بزرگ طاغوت یکسان بہرہ وری میکند - اینہا اغلب در جنوب شہر ساکنند تا بہتر مستضعفین را شکار کنند واز خون آنہا تغذیہ نمایند ، شمال شہریہا بدنام شدہ اند ، اغلب فرزندہاں آنہا پس از تحصیلات عالیہ ثروت و منال پدری را نفی کردہ اند ودر صف مبارزین سرسخت جنگیدہ اند ، دختر پرفسور عدل و پسر یا پسر برادر سپہد حجت کاشانی در جنگہای چریکی کشتہ شدند ، حجت کاشانی از ترس ختم نگرفت و پرفسور عدل در عزای دخترش کراوات قرمز بگردن بست تا بہ ارباب خون آشام خود اثبات کند حلقہ بگوشند و در آستانہ او حاضرند عزیزان خود را قربانی کنند و فردای آن روز یکی در بیمارستانہا بہ خون آشامی بیماران نشست و آنہا را جراحی نکرد تا چکشان از بانک وصول شود و دیگری استادبوم ورزشی ساخت کہ از بودجہ آن میلیون ہا تومان بہ جیب زد و در قتل امثال تختی ہا بہ کنکاش نشست - سرمایہ اندوز شمال شہری و جنوب شہری سروتہ یک کرپاسند - سزاوار است کرامت امام شامل رزمندگان سرسخت شمال شہر ہم بشود تا جوانان رزمندہ این منطقہ کہ بیشتر بزبور علم آراستہ اند با رغبت وامید در نوسازی جامعہ شرکت جویند - شعار دہندگان کہ قوہ تخریبی فوق العادہ دارندو مانند تانک کاخ ستمگری را در ہم فرو ریختند ، بقدر توان یک کودک قدرت سازندگی ندارند و ہر جا بکاہ گرفتہ شوند بجز تخصص خود - کہ تخریب است کار دیگری از آنہا برخاستہ نیست ، مقرر فرمائید در استخدام جوانان کہ اغلب از بچگی در دیار غرب بودہ اند سختگیری نکنند و شرط استخدام را دانائی کامل بہ فرائض مذہبی قرار ندهند اینہا ظوف یکی دو سال آنچه باید از مذہب فرا گیرند محیط زندگی و کار آنان بہ ایشان خواہد آموخت و فراخواہند گرفت ولسی اگر فراگیری را بازور و اہانت توأم کنند ، خاک وطن را ترک خواہند گفت و این ضایعہ ای بزرگ برای مملکت است - دستور فرمائید آماری از عزیمت کنندگان بخارج تہیہ کنند و فیلمی از متقاضیان گذرنامہ کہ عدد آنہا اخیراً در روز بہ صدہا ہزار نفر میرسد بردارند و حضورتان آورند تا صحت عرائض نویسنده این سطور معلوم گردد ، اسلام مترقی تر از آنست کہ عدہ ای قشری بہ تفسیر آن بنشینند ، اجازہ فرمائید صاحب نظران اقتصاد آمیختہ بہ معنویت اسلام را در قالب قوانین و اصول اقتصادی امروز بریزند و عرضہ نمایند و محتوای احکام اسلام و آنچه قصد و منظور شارع مقنن است در قالبہای تکامل یافتہ بگنجانند تا دنیا واقف گردد کہ ما در راہ ترقی هستیم نہ انحطاط - سیستم مترقی تعاونی کہ از تراکم ثروت و ایجاد طبقہ در جامعہ جلوگیری

میکند جوابگوی بسیاری از مشکلات اقتصادی امروز ماست و میتواند بیانگر بسیاری از نظرات شارع مقدس اسلام باشد قانون اساسی کہ بی جهت برسر تصویب آن اختلاف نظر پیدا شدہ چہ توسط مجلس موسسان تصویب گردد و چہ توسط مجلس نخبگان روزی کہ استخوان بندی اقتصادی و اجتماعی جامعہ سابق تر ہم فرو بریزد و استخوان بندی جدیدی جایز بوجود آید کہ در حال بوجود آمدن است و صاحبان حق تازہ ای پیدا شوند ، این صاحبان حق خودشان روزی آنرا حک و اصلاح خواہند کرد و گرنہ امروز ہرچہ زودتر بتصویب رسد و این حالت موقت پایان گیرد و تکلیف دولت و برنامه ریزیہای اقتصادی آن معلوم شود بہتر است از ہر اختلاف و مناقشہ کوچکی ، معماران کاخ ضد انقلاب در حال بہرہ وری هستند و دارند نفاق افکنی میکنند حق با امام است کہ توطئہ بزرگ را تشخیص دادہ ، چشمہای بینا توطئہ های منطقی را کہ از مغزی ، منتهی جہنمی میتراود خوب می بیند - ای کاش روشنفکران و چپ گرایان بجای این تفرقہ و ششٹناک کہ میانہاں افکنندہ شدہ باہم برای مدتی کوتاہ کنار می آمدند و یک صدا باروحانیت بہ بحث مینشستند تا آنرا قانع میکردند یا خود قانع میشدند اما ہر کس میخواہد سنک یکمن باشد وبالنتیجہ کاری از پیش نمیرود و بجای اینکہ مستمع داشتہ باشد خود باید مستمع گردد - وقتی روشنفکران بازو در بازوی ہم نمی اندازند و با مشت بسینہ ہم می کوبند روحانیت قشری (نہ روحانیت مترقی و انقلابی) حق دارد کہ بہ روی آنہا سیلی زند و بہ شرف آنہا اہانت کند - افسوس و ہزار افسوس ! ...